

تاریخ: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷



جمهوری اسلامی ایران

وزارت کشور

بسمه تعالی

اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال

معاون بانکی امور اقتصادی و توسعه منطقه ای

حائز اهمیت

استانداران محترم سراسر کشور

موضوع: ابلاغ پاسخ بانک مرکزی در خصوص جلوگیری از اقدامات خارج از ضوابط و مقررات شبکه بانکی

سلام علیکم

احتراماً، به پیوست تصویرنامه شماره ۹۶/۳۵۰۳۷۲ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ معاون محترم نظارتی

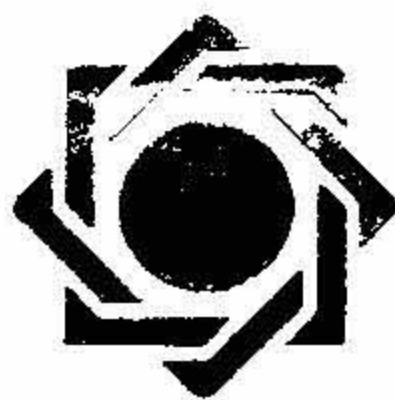
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران درخصوص "پاسخ به نامه شماره ۱۴۹۸۲۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۱۶

این وزارتخانه مبنی بر ضرورت اتخاذ تمهیدات لازم، برای جلوگیری از اقدامات خارج از ضوابط و مقررات جاری

شبکه بانکی کشور" جهت بهره برداری و دستور پیگیری موضوعات از طریق شبکه بانکی استان،

ارسال می گردد.

بابک دین پرست



معاون نظارتی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ:

۱۳۹۶/۱۱/۰۱

بیتکالی

جناب آقای دین پرست

معاون محترم هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منطقه‌ای وزارت کشور

با سلام؛

احتراماً، بازگشت به نامه شماره ۱۴۹۸۲۱ مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۶ موضوع ضرورت اتخاذ تمهیدات لازم برای جلوگیری از اقدامات خارج از ضوابط و مقررات جاری توسط شبکه بانکی کشور، بدین وسیله مراتب ذیل را به استحضار می‌رساند:

۱- مصوبات شورای پول و اعتبار از جمله در خصوص نرخ سود تسهیلات اعطایی، برای شبکه بانکی کشور لازم‌الاجرا است و تخلف از ضوابط مزبور برخورد نظارتی و انتظامی بانک مرکزی را در پی خواهد داشت.

۲- الزام بانک‌ها به اتخاذ تمهیداتی برای مطلع نمودن مشتریان، ضامین و وثیقه‌گذاران از مفاد قراردادهای منعقد فی‌مابین و در اختیار قراردادن نسخه‌ای از قراردادهای مذکور به همراه مقررات و ضوابط مصرح در آن به ایشان، در بخشنامه‌های متعدد مرتبط همواره مورد تأکید بانک مرکزی بوده است. این مهم مجدداً نیز طی بخشنامه شماره ۹۶/۲۹۰۰۰۳ مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۳ موضوع «تأکید بر لزوم استفاده از فرم یکنواخت عقود و اعطای یک نسخه از قرارداد به مشتریان» مورد تأکید قرار گرفته است.

۳- اجزاء بدهی مشتریان ناشی از قراردادهای تسهیلاتی و یا ارایه خدمات بانکی عمدتاً مشتمل بر اصل، سود و وجه‌التزام تأخیر تأدیه دین (در صورت تأخیر در ایفای تعهدات توسط مشتری) می‌باشد که ضوابط و مقررات ناظر بر نحوه محاسبه سود و وجه‌التزام تأخیر تأدیه دین متعلقه طی بخشنامه‌های جداگانه‌ای جهت اجراء به شبکه بانکی کشور ابلاغ شده است. از جمله می‌توان به بخشنامه شماره مب/۱۵۲۱ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۸ موضوع «نحوه محاسبه سود و اقساط در عقود با بازدهی معین» و بخشنامه‌های مب/۸۶ مورخ ۱۳۸۶/۱/۱۵ و مب/۱۶۵۶ مورخ ۱۳۸۶/۴/۲۷ با موضوع مبنا و نحوه محاسبه وجه‌التزام تأخیر تأدیه دین اشاره نمود.





۸- حسب مقررات موضوعه از جمله مفاد بخشنامه‌های شماره ۹۱/۳۳۶۶۸ مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۳، شماره ۹۴/۶۲۳۵۸ مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۲ و شماره ۹۵/۲۲۵۱۴۹ مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۵، الزام متقاضیان دریافت تسهیلات به سپرده‌گذاری و یا حبس درصدی از تسهیلات تحت عناوین مختلف از جمله وثیقه، افزایش منابع و ... (به هر شکل و به هر عنوان) ممنوع می‌باشد. زیرا این گونه اقدامات ضمن افزایش نرخ مؤثر سود تسهیلات و متعاقباً تضییع حقوق تسهیلات‌گیرندگان موجب مصرف شدن مبالغ تسهیلات اعطایی در محلی خارج از موضوع تسهیلات می‌شود که این امر مغایر با قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) بوده و مجاز نمی‌باشد. لیکن در خصوص دریافت وثیقه نقدی در قالب انواع سپرده‌ها (اعم از قرض الحسنه و سرمایه‌گذاری) مطابق با ماده (۶) آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، «اعطای تسهیلات عنداللزوم به تشخیص بانک، منوط به اخذ تأمین کافی برای حفظ منافع بانک و حسن اجرای قراردادهای مربوط می‌باشد». از این رو، تعیین نوع و میزان وثایق و بالتبع ضوابط اجرایی آن نیز در حیطه اختیار و مسئولیت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است. بدیهی است بانک‌ها و مؤسسات اعتباری باید وثایق معتبر، سهل‌البيع، قابل نقل و انتقال قانونی و بلامعارض را به میزانی اخذ نمایند که در موقع مقتضی بتوانند از منافع بانک و مؤسسات اعتباری و سپرده‌گذاران صیانت نمایند. بر همین اساس اخذ وثایق نقدی قبل از اعطای تسهیلات به لحاظ مقرراتی منعی ندارد. لیکن همانگونه که اشاره شد، مسدود نمودن بخشی از تسهیلات اعطایی در قالب سپرده مجاز نمی‌باشد.

در خاتمه شایان ذکر می‌داند نحوه عملکرد شبکه بانکی در خصوص موارد مطروحه در نامه آن وزارتخانه، در حوزه ذی‌ربط در این بانک در دست بررسی است تا حسب مورد در صورت مشاهده هرگونه تخطی از ضوابط مقرر، اقدام نظارتی و انتظامی مقتضی معمول گردد. ضمناً خاطرنشان می‌سازد، چنانچه مصادیقی از تخلف و قصور شبکه بانکی کشور در خصوص موضوعات مزبور موجود است، خواهشمند است مراتب را جهت رسیدگی با ذکر جزییات و مستندات مربوط به این بانک منعکس نمایند. ۳۵۶۵۵۸۴/ظ

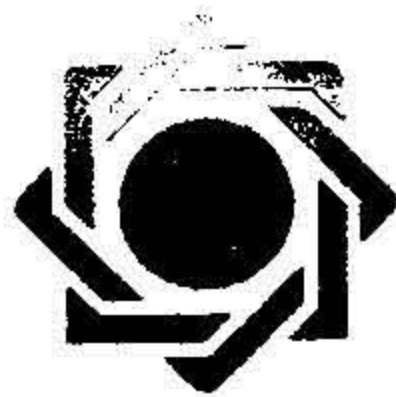


استفساریه به عمل آمده طی نامه شماره ۳۴۱۳/هـ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۱ از مرحوم حضرت آیت‌اله رضوانی (رحمه‌الله علیه)، و همچنین سومین جلسه شورای فقهی بانک مرکزی مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۸ منطبق با شرع مقدس می‌باشد و از این منظر این بانک ملاحظات مربوط به تطبیق مقررات ابلاغی با موازین شرع مقدس را مدنظر قرار داده است.

۶- وفق ماده ۱۱ قرارداد مشارکت مدنی مصوب یک‌هزار و یکصد و شصت و پنجمین جلسه مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۶ شورای پول و اعتبار ابلاغی طی بخشنامه شماره ۹۲/۲۰۶۵۴۶ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۱ که برای شبکه بانکی کشور لازم‌الرعایه می‌باشد «شریک با امضای قرارداد متعهد گردید؛ مدیریت منابع و مصارف موضوع مشارکت را به نحوی به انجام رساند که در پایان دوره مشارکت، سهم الشرکه متعلقه بانک/مؤسسه اعتباری بعلاوه سود ابرازی موضوع مشارکت، اعلامی از سوی شریک، مندرج در برگ درخواست تسهیلات به حساب بانک/مؤسسه اعتباری منظور نماید. در غیر این صورت شریک ملتزم و متعهد گردید؛ سهم الشرکه متعلقه بانک/مؤسسه اعتباری بعلاوه سود ابرازی موضوع مشارکت و ضرر و زیان وارده به بانک/مؤسسه اعتباری را صلح و تبرعاً از اموال خود تأمین و پرداخت نماید.» حایز ذکر می‌داند عدم مغایرت مفاد ماده مذکور با شرع مقدس در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۶/۱۵ شورای نگهبان مورد تأکید قرار گرفته است. متن نظریه شورای مذکور بدین شرح اعلام شده است: «نظر به این که امور مذکور در دو ماده مورد شکایت [ماده ۸ و ۱۱] شرط ضمن‌العقد بوده که شریک به آن‌ها متعهد گردیده است، فلذا خلاف موازین شرع تشخیص داده نشد.» همچنین یادآور می‌گردد، مشارکت بانک در جبران خسارات در عقد فروش اقساطی به دلیل انجام بیع قطعی و انتقال مالکیت کالای موضوع فروش اقساطی به تسهیلات‌گیرنده موضوعیت ندارد.

۷- به موجب دستورالعمل‌های اجرایی عقود تسهیلات بانکی که مبنای تدوین فرم‌های یکنواخت می‌باشد، بانک‌ها عنداللزوم می‌توانند از مشتریان خود درخواست نمایند وثایق یا اموال موضوع عملیات ناشی از قرارداد را بیمه نمایند. بر همین اساس گرچه در راستای پوشش ریسک اصلح است این اقدام انجام پذیرد، لیکن الزامی به آن وجود ندارد. علی‌ایحال این اختیار به صورت ماده‌ای جداگانه در فرم‌های یکنواخت عقود تسهیلات بانکی لحاظ شده است. به طور نمونه مفاد ماده (۱۵) قرارداد فروش اقساطی وسایل تولید، ماشین‌آلات، وسایل حمل و نقل، کالاهای مصرفی با دوام ساخت داخل و تأسیسات ناظر بر این موضوع است.





شرح اخیرالذکر می‌باشد، متأثر از نحوه دفتری و عملیات حسابداری مؤسسات اعتباری است. بدین ترتیب که براساس استانداردهای حسابداری باید مبالغ اصل و سود تسهیلات اعطایی به تفکیک در دفاتر مؤسسه اعتباری ثبت گردد تا براساس اصول حسابداری تحقق درآمد و تطابق هزینه‌های هر دوره با درآمدهای همان دوره، امکان شناسایی و ثبت صحیح درآمدها و هزینه‌ها وجود داشته باشد. همچنین براساس اصول مذکور، شناسایی درآمد با مرور زمان و مشروط به تحقق شرایط شناسایی درآمد مندرج در استانداردهای حسابداری، امکان‌پذیر است. از این رو هرچند ماهیت تسهیلات اعطایی مورد بحث به گونه‌ای است که در زمان انعقاد قرارداد کل مبلغ سود تسهیلات مشخص است، لیکن بر اساس اصول حسابداری صدرالذکر، کل مبلغ سود تسهیلات مزبور را نمی‌توان به عنوان درآمد دوره‌ای که تسهیلات در آن اعطاء گردیده، شناسایی و در دفاتر ثبت نمود. لذا مؤسسه اعتباری لاجرم می‌باید ثبت جداگانه‌ای از اصل و سود تسهیلات و صرفاً به جهت رعایت استانداردهای حسابداری و براساس ادبیات حسابداری موضوع، در دفاتر مالی خود منظور نماید و این مقوله کاملاً متفاوت و متمایز از مبانی فقهی عقد بیع و اطلاق دیون متعدد به اصل و سود تسهیلات اعطایی می‌باشد. از طرفی دیگر، به لحاظ حقوقی، می‌توان به عنوان شرط ضمن عقد موضوع مواد (۲۳۲) به بعد قانون مدنی، ضمانت اجرایی در مورد ایفای تعهدات مشتری مقرر نمود. بر همین اساس، در بخشنامه‌های شماره مب/۷۷۷ مورخ ۱۳۸۶/۳/۵ و شماره مب/۸۶ مورخ ۱۳۸۶/۱/۱۵، مؤسسات اعتباری مجاز هستند در قراردادهای غیرمشارکتی (با بازدهی ثابت) با مشتری، این شرط ضمن عقد را درج نمایند که هرگاه مشتری، بیش از ۱۸ ماه از ایفای تعهد قراردادی خود، یعنی بازپرداخت اقساط در سررسید خودداری نموده و بدهی‌های مشتری به طبقه مطالبات مشکوک‌الوصول موضوع «دستورالعمل طبقه‌بندی دارایی‌های مؤسسات اعتباری» مصوب سال ۱۳۸۵ شورای پول و اعتبار منتقل گردد، تمامی بدهی‌های مشتری اعم از سررسیدشده و سررسیدنشده، به دین حال تبدیل می‌شود. بدیهی است در این بین - همچنان که گفته شد - نظر به این که بدهی مشتری همان مبلغی است که در ابتدای قرارداد، مشخص و قطعی گردیده، حال شدن اقساط سررسیدنشده موجب حذف بخشی از دین (سود از کل قسط) نخواهد شد؛ این برداشت مبتنی بر همان تصویری است که معتقد است سود در گذر زمان محقق می‌گردد. به دیگر سخن در صورت حال شدن دیون، مشتری ملزم به پرداخت تمام مبلغ بدهی خود (اعم از سررسیدشده و نشده) در زمان حال بوده و عملاً مواعد تعیین شده در قرارداد جهت بازپرداخت بدهی از درجه اعتبار ساقط می‌گردند. همچنین خاطرنشان می‌سازد، دین حال نمودن کل اقساط آتی مشتری به دلیل عدم ایفای تعهدات وی در عقود غیرمشارکتی مستند به





۴- نحوه تسهیم نمودن کلیه مبالغ پرداختی توسط مشتریان پس از سررسید در ارتباط با بدهی آنان طی بخشنامه شماره ۸۸/۱۰۵۹۷۲ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۹ جهت اجراء به شبکه بانکی کشور ابلاغ گردیده است. از آنجایی که تسری مفاد بخشنامه فوق‌الذکر به قراردادهای منعقدۀ قبل از تاریخ ابلاغ این بخشنامه (۱۳۸۸/۵/۱۹) میسر نبود و قراردادهای منعقدۀ قبلی، تابع توافقات و مندرجات خود بود، لذا در راستای بهره‌مندی کلیه مشتریان از مزایای لحاظ‌شده، بخشنامه دیگری به شماره ۹۰/۵۶۹۲۰ مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۱ در این ارتباط صادر و جهت اجرا به شبکه بانکی کشور ابلاغ شد. نکته حایز ذکر آن‌که؛ به استناد مفاد بند (۲) بخشنامه اخیرالذکر، به مؤسسات اعتباری اختیار داده شده است که از طریق تنظیم تفاهم‌نامه‌ای جدید با مشتریان، روش تسهیم بالنسبه نمودن مبالغ پرداختی بعد از سررسید توسط مشتریان بین اجزاء بدهی‌های ناشی از تسهیلات اعطایی شامل اصل تسهیلات، سود (در عقود مشارکتی، فواید مترتب بر اصل) و وجه‌التزام تأخیر تأدیه دین را برای تمامی قراردادهای منعقدۀ قبلی فی‌مابین مؤسسه اعتباری و مشتری اجرا نمایند. لذا با عنایت به مراتب معنونه، بانک‌ها مخیر می‌باشند، روش تسهیم بالنسبه نمودن به طریق فوق‌الذکر را برای قراردادهای منعقدۀ قبل از تاریخ ابلاغ بخشنامه شماره ۸۸/۱۰۵۹۷۲ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۹ نیز اجرا نمایند.

۵- براساس مبانی فقهی و شرعی، تسهیلات اعطایی در قالب عقود غیرمشارکتی (با بازدهی ثابت)، نوعاً معوض بیع موضوع مواد (۳۳۸) به بعد قانون مدنی می‌باشد و به ترتیبی است که ثمن پرداختی توسط مشتری در زمان اعطای تسهیلات و انعقاد قرارداد با لحاظ عوامل مختلفی مانند مهلت اعطایی به مشتری برای بازپرداخت بدهی، تعیین می‌شود. در این میان، نظر به این‌که منشأ دین مشتری، قراردادی است که در آن کالا یا خدماتی با لحاظ عوامل مختلف قیمت‌گذاری شده، لذا بدهی مشتری به لحاظ حقوقی، تنها یک دین (مبلغ) معین است که از همان زمان انعقاد قرارداد، به طور کامل، محقق و قطعی شده و صرفاً نحوه بازپرداخت آن به صورت پرداخت در چند قسط و در سررسیدهای معین (موضوع مواد آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با قراردادهای غیرمشارکتی) صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، تفکیک بدهی مشتری به دو دین که یکی از آن‌ها، اصل تسهیلات است که از ابتدا، محقق و ثابت می‌باشد و دیگری، سودی است که در گذر زمان محقق می‌گردد، مردود است و از این‌رو، دین مشتری از بابت اصل و سود تسهیلات که همانا هر دو در نتیجه یک قرارداد تسهیلاتی واحد ایجاد شده و دارای یک ماهیت می‌باشند را نباید دیون متعدد تفسیر نمود. به نظر می‌رسد این شبهه که تسهیلات اعطایی شامل دو دین مجزا تحت عنوان اصل و سود به